



زنان، مدیران بهتری هستند؟

از دیرباز تا چند دهه پیش حضور زنان در پست‌های مدیریتی، چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی، بسیار ناچیز بوده و جوامع بشری از سرمایه عظیمی که داشته بخوبی بهره نبرده‌اند.

از دیرباز تا چند دهه پیش حضور زنان در پست‌های مدیریتی، چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی، بسیار ناچیز بوده و جوامع بشری از سرمایه عظیمی که داشته بخوبی بهره نبرده‌اند.

زنان برای پیشرفت و بالا رفتن از پلکان ترقی و رسیدن به بخش مدیریت متحمل سختی فراوانی می‌شوند و در حقیقت تبعیض جنسیتی برای آنان سقفی تعیین کرده که بیشتر مواقع نمی‌توانند پست مدیریتی داشته باشند؛ پدیده‌ای که به سقف شیشه‌ای معروف است.

خوشبختانه جامعه بین‌المللی از دو، سه دهه گذشته تاکنون برای رسیدن به نوعی برابری جنسیتی بسیار تلاش کرده و امروزه در جوامع مختلف بویژه جوامع پیشرفته، راه زنان به سوی پست‌های مدیریتی هموارتر شده است.

دنیای مدرن امروز دیگر نمی‌تواند مانند گذشته با روش مدیریتی، دستور دادن و کنترل کردن کارکنان که روش عمده مدیران مرد است، پیش رود و به شکوفایی خود ادامه دهد و باید برای رسیدن به نتیجه بهتر، به روش‌های مدیریتی تازه‌ای بیندیشد. درحقیقت زن‌ها می‌توانند مدیریتی بمراتب بهتر از مردها داشته باشند. در عملکردهای مدیریتی زن و مرد، ویژگی‌های متفاوت فردی، نحوه تفکر و احساسات، ارزش‌ها و انگیزه‌ها، محیط فرهنگی و تجربه‌های دوران کودکی‌شان بسیار موثر هستند. اما شواهد علمی نشان داده است که زن و مرد در مشاغل مدیریتی غیر از ویژگی‌های محیطی، از نظر بیولوژیکی کاملاً متفاوت از یکدیگر عمل می‌کنند.

نوع اندیشیدن

زنان هنگام اندیشیدن به مسائل مختلف تا حدی متفاوت از مردان عمل می‌کنند. آنها با سرعت تمام جزئیات اطلاعات در دسترس را دریافت و در ذهن مرتب کرده و به شکل ساختارهای پیچیده‌ای در می‌آورند. این ویژگی در تصمیم‌گیری‌های گوناگون بسیار به کارشان می‌آید، زیرا می‌توانند با دریافت جزئیات موضوع مورد نظرشان، به گزینه‌های متفاوتی فکر کنند و برای یک مشکل چند راه‌حل پیشنهاد دهند. آنها هنگام برخورد با مسائل گوناگون خطی فکر نمی‌کنند بلکه نوع تفکرشان را می‌توان به شبکه‌ای از تارهای تنیده به هم تشبیه کرد و به واسطه این خاصیت می‌توانند در آن واحد به چند موضوع بیندیشند. این توانایی در دنیای رقابتی امروز از اهمیت زیادی برخوردار است.

همچنین توانایی حفظ چند موضوع متفاوت در ذهن در لحظه باعث می‌شود که زن‌ها بتوانند براحتی موضوعات مبهم را درک و با شم درونی‌شان ارتباط مستقیم برقرار کنند. این ویژگی تاثیر بسیار مهمی در تصمیم‌گیری‌ها دارد. آنها تحت تاثیر این تفکر می‌توانند برنامه‌های طولانی‌مدت در ذهن داشته باشند و برای رسیدن به اهدافشان سناریوهای مختلفی را در نظر بگیرند.

انعطاف‌پذیری ذهنی

نحوه تفکر زنان موجب شده که از هوش و استعداد طبیعی دیگری به نام انعطاف‌پذیری ذهنی بهره‌مند شوند. انعطاف‌پذیری ذهنی ویژگی ضروری مدیریت در دنیای اقتصادی پویای امروز ماست. در تحقیقاتی که روی 900 مدیر زن و مرد انجام شده است، معلوم شد مدیران زن در زمینه کار گروهی و به کار بستن خلاقیت نسبت به مردها بهتر و موثرتر عمل می‌کنند و در حقیقت این امر به دلیل انعطاف ذهنی آنهاست.

مهارت کلامی

زنان مهارت‌های دیگری نیز دارند که آنها را مدیران لایقی می‌کند. زنان در یافتن بلادرنگ کلمه‌ای مناسب حین گفت‌وگو با

مهارت‌های کلامی زنان از همان دوران کودکی‌شان شکل می‌گیرد. نوزادان دختر خیلی زود شروع به تولید اصوات می‌کنند و خیلی سریع جملات طولانی و با ساختارهای دستوری پیچیده را بیان می‌کنند. این توانایی کلامی به ساختار مغز زنان و هورمون استروژن مربوط است. زنان به دنیا آمده‌اند تا صحبت کنند. این ویژگی باعث شده که آنها از گذشته‌های دور تا امروز بتوانند مربی‌های خوبی برای فرزندان‌شان باشند و هر کجا که لازم است فرزندان‌شان را تشویق یا به دلیل رفتاری غیرمسئولانه سرزنش کنند. کلمات ابزار زنان هستند. کلمات بین ذهن و قلب ارتباط برقرار می‌کنند و مدیران زن امروز می‌توانند با رساندن «صدای‌شان» به دیگران به قدرتی که نیاز دارند، دست پیدا کنند.

مهارت‌های اجتماعی اجرایی

زنان چیزی را دارند که دانشمندان به آن «مهارت اجتماعی اجرایی» می‌گویند. آنها در درک نکات ظریف حرکات و ژست و حالت دیگران توانایی بسیاری دارند و می‌توانند براحتهی احساسات دیگران را از روی چهره‌شان متوجه شوند و حتی تغییرات اندک لحن صدای آنها را بفهمند. زن‌ها به طور کلی از حواس چشایی، لامسه، بویایی و شنوایی‌شان بهتر استفاده می‌کنند. دید پیرامونی بهتری دارند و در تاریکی بهتر اطراف‌شان را می‌بینند و اشیای موجود در محیط را بهتر به ذهن می‌سپارند. این مهارت‌ها زنان را در خواندن ذهن دیگران یاری می‌کند؛ مهارتی که یک مدیر لایق بهتر است آن را داشته باشد.

همکاری و توجه به دیگران

زنان در کنار مهارت‌های اجتماعی اجرایی‌شان، توانایی بسیاری در ایجاد شبکه ارتباطی، همکاری و شفقت و دلسوزی نسبت به اطرافیان خود دارند. آنها برخلاف مردها براحتهی می‌توانند قدرت‌شان را با دیگران تقسیم کنند. در این خصوص مردها به سلسله مراتبی بیشتر می‌اندیشند و رتبه و درجه برایشان بسیار مهم است، اما زن‌ها از محفل‌های کوچک گرفته تا شبکه‌ای از ارتباطات وسیع و پشتیبان تشکیل داده و به این صورت به دنبال قوی تر شدن هستند. البته این ویژگی‌ها نیز تا حدی به هورمون استروژن مربوط است. در آزمایش‌های مختلف، محققان به پرندگان و برخی از پستانداران هورمون مردانه- تستوسترون- تزریق کردند و آنها برای قدرت و جایگاه برتر با یکدیگر به جنگ و رقابت پرداختند و بعد از این که هورمون زنانه- استروژن- به آنها تزریق شد، رفتارشان تغییر کرد و به جای جنگ و دعوا، با یکدیگر ارتباطات مسالمت‌آمیزی برقرار کردند. این تمایل زنانه به همکاری با یکدیگر و تشکیل گروه و شبکه‌های ارتباطی برای زنان قدیم که باید مراقب یکدیگر و فرزندان‌شان می‌بودند، بسیار مهم بوده و در دنیای امروز در محیط کاری بسیار موثر است.

در گذشته زن‌ها به سبب نرم و ملایم بودن بسیار سرزنش می‌شدند و این ویژگی پسندیده‌شان با ناتوانی در برخورد با دیگران اشتباه گرفته می‌شد. اما این قدرت روحی زنان است که باعث می‌شود با دیگران منصفانه برخورد کنند و در محیط کار بسیار به کارشان می‌آید. آنها به جای استفاده از سرزنش و توبیخ کارکنان از روش‌های تشویقی استفاده و در کارکنان ایجاد انگیزه می‌کنند و موجب پیشرفت واحد کاری‌شان می‌شوند.

استقامت و تولید بیشتر

هر مدیری برای موفق شدن مجبور است از چالش‌هایی بگذرد و گاه برنامه‌هایش آن گونه که می‌خواهد پیش نمی‌رود. در واقع این چالش‌ها از فرد، یک مدیر لایق می‌سازد. مدیران باید مقاومت و پشتکار داشته باشند و هرگاه لازم باشد صبر و تحمل از خود نشان دهند و مدیران زن ثابت کرده‌اند که می‌توانند از خود مقاومت بسیار بالایی نشان دهند. آنها هرگز تمام مشکلات را به دوش کارکنان خود نمی‌اندازند و پا به پای آنها کار می‌کنند. همچنین مدیران زن در محل کار فقط به پیشرفت شخصی خود نمی‌اندیشند، کاری که بیشتر مدیران مرد انجام می‌دهند. آنها تمام انرژی‌شان را صرف تولید بیشتر می‌کنند و از موقعیت خود برای بهبود وضع کلی سازمان مورد ریاست‌شان بهره می‌جویند.

جامعه موفق آینده

تفکر و انعطاف ذهنی زنان، توانایی درک مسائل مبهم و قوه تخیل بالای آنها، علاقه وافر به برنامه‌های طولانی‌مدت، قدرت کلامی و مهارت‌های اجتماعی، توانایی همکاری با دیگران و داشتن رحم و شفقت نسبت به هموعان خود، تمام ویژگی‌هایی است که یک مدیر لایق در بازارکار و اقتصاد جهانی فعلی باید داشته باشد تا جامعه به پیشرفت واقعی خود برسد. البته این به آن معنا نیست که فقط زنان باید دنیا را اداره کنند؛ مردان بسیاری هستند که چنین ویژگی‌هایی از خود نشان می‌دهند و بسیار توانا هستند. مردها مهارت‌های مهندسی و درک فضایی بالایی دارند که در اثر هورمون تستوسترون به وجود آمده است.

بسیاری از پیشرفت‌های فناوری حاصل توانایی آنها در این موارد است و مرد و زن مانند دو پا هستند که برای پیش رفتن به یکدیگر نیاز دارند. با این حال، دنیا اگر به خود فرصت و اجازه بهره‌بردن از مهارت‌های زنان را بدهد از سود کلانی بهره‌مند خواهد شد. در این سال‌ها زن‌ها نشان داده‌اند که می‌توانند برای پیشرفت جامعه‌شان از هوش طبیعی خود استفاده کنند.

آلبرت اینشتین زمانی گفته بود: «مشکلات مهمی را که امروز با آن مواجه هستیم نمی‌توانیم با کمک افکاری که آنها را به وجود آورده است، حل کنیم.» و باید گفت که زنان با اندیشه‌ای متفاوت از مردان، روح همکاری، مهارت‌های مذاکره، قوه تخیل بالا و علاقه به ایجاد محیط اجتماعی پیچیده، می‌توانند آن تفکر لازم را برای حل مسائل و مشکلات دنیای امروز با خود بیاورند.

در واقع اگر دنیا تا به حال به زنان فرصت می‌داد که برای بشریت کاری انجام دهند، مسلماً شاهد قدرتی بود که هرگز تصورش را هم نمی‌کرده است.

Helenfisher / مترجم: نادیا زکالوند